

ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان؛ بازاندیشی در مأموریت‌های برنامه‌ی درسی آموزش عالی

محمد امینی^۱ - محمدرضا تمنایی فر^۲ - صدیقه غلامی علوی^{۳*}

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان

۲. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه کاشان

۳. کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۲، تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۰/۲۶)

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی و ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان به‌منظور اعتباربخشی و بازاندیشی در کارکردها و مأموریت‌های برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ایران می‌باشد. جامعه‌ی آماری این تحقیق توصیفی-پیمایشی، دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ می‌باشد (N=۵۵۰۲). که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تعداد ۴۱۲ نفر از آن‌ها به‌عنوان گروه نمونه انتخاب و مطالعه شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون t تک متغیره و تحلیل واریانس یک طرفه) استفاده شد. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان داد که میان دانشجویان دانشکده‌های مختلف از نظر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود ندارد. اما در عین حال میان دانشجویان دختر و پسر در نمره‌ی کل کارآفرینی و شاخص‌های ریسک‌پذیری و خلاقیت تفاوت معناداری وجود دارد. افزون‌بر این، یافته‌های این تحقیق نشان داد که میان دانشجویان سال اول و چهارم از نظر میزان برخورداری از قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، قابلیت‌های کارآفرینی، آموزش عالی، برنامه‌ی درسی آموزش عالی

مقدمه

توسعه در مفهوم واقعی و جامع خود نیازمند الزامات و پیش‌نیازهای متعددی است که وجود و حضور آنها در نهایت تحقق آن را امکان‌پذیر می‌نماید. یکی از اساسی‌ترین این پیش‌نیازها که به‌ویژه طی سال‌های اخیر در ادبیات علوم مختلف از جمله مدیریت، اقتصاد، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به آن توجه و تأکید جدی شده است، مفهوم کارآفرینی و قابلیت‌های مرتبط بدان می‌باشد. در واقع، فرض بر این است که کارآفرینی به‌عنوان واژه‌ای آشنا برای همگان تأثیر انکارناپذیری در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فناوری ممالک و مناطق مختلف دارد (Low, 2009, Parker, 2005) و به "رشد بهره‌وری می‌انجامد و رشد بهره‌وری در توسعه اقتصادی، اجتماعی، بهبود وضعیت اشتغال و ... اهمیت داشته و چگونگی رقابت را در عرصه‌ی بین‌المللی تعیین می‌کند" (دادگر و غلامزاده، ۱۳۸۹: ۶۲). اهمیت این مسأله آن‌گاه مشخص‌تر می‌شود که به این واقعیت مهم نیز توجه کنیم که در جهان امروز و در ذیل مبحث توسعه، شاخص‌های سخت‌افزاری و سرمایه‌های فیزیکی مشهود جای خود را به قابلیت‌ها و توانمندی‌های نرم‌افزاری هم‌چون خلاقیت، نوآوری، خلق محصولات جدید و ارائه‌ی ایده‌های جدید داده که عموماً در قالب آن‌چه اصطلاحاً اقتصاد دانش‌محور^۱ خوانده می‌شود، نقش و جایگاهی برجسته‌ای در رشد و توسعه‌ی جوامع مختلف دارند.

از این منظر در شرایط کنونی و در مسیر گذار از یک جامعه‌ی صنعتی به یک جامعه‌ی اطلاعاتی به‌جای توجه صرف به بازوی نیروی انسانی، به مغز آن‌ها توجه شده و در چنین فضایی پدیده‌ی کارآفرینی نیز بر مبنای دانایی، توانایی و دانشی که فرد بتواند به میزان بیش‌تری آن را تولید کند، تأکید می‌شود (احمدپورداریانی، ۱۳۸۲). در واقع، کارآفرینی به‌عنوان یکی از ضرورت‌های هزاره‌ی جدید مطرح بوده (حسینی لرگانی و همکاران، ۱۳۸۷) و باید از آن به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم در رصد کردن چشم‌انداز مطلوب هر

1. Knowledge-based economy

جامعه که تأثیراتی عمیق در به چالش کشیدن انسان عصر پست مدرن دارد، یاد کرد (Clark, 2004). افزون بر این، تحولات سریع و شتابان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، پیچیدگی‌ها و رقابتی شدن اقتصاد جوامع، چالش‌ها و مشکلات ناشی از توزیع ناعادلانه‌ی درآمد، کیفیت نامطلوب زندگی برخی گروه‌های انسانی زمینه‌ای را فراهم کرده تا امروزه انسان کارآفرین^۱ به‌عنوان راه‌حل اصلی مشکلات یادشده و منبع نامحدود توسعه مورد توجه قرار گرفته و ایجاد رفتار و روحیه‌ی کارآفرینی در میان شهروندان مورد تأکید قرار بگیرد (زمانی و همکاران، ۱۳۹۰). نتیجه و حاصل این رویکرد آن است که افرادی تربیت می‌شوند که با خلاقیت و خطرپذیری خود اقدام به نوآوری کرده و راه‌کارهای جدید را جایگزین روش‌های قدیمی و ناکارآمد قبلی می‌کنند (مرادی و همکاران، ۱۳۸۷). واضح است تحت شرایطی که تفکر و اندیشه به‌عنوان ارزش مطرح می‌باشد، جوامعی توسعه می‌یابند که از منبع انسانی که منشأ فکر و ایده و اساسی‌ترین عنصر ارزش‌آفرینی است، حداکثر بهره‌وری را داشته باشند (قانع بصیری، ۱۳۷۳).

اما درباره‌ی معنا و مفهوم کارآفرینی تعابیر و تعاریف مختلفی وجود دارد. برخی صاحب‌نظران بیان کرده‌اند که مطالعه‌ی کارآفرینی با فقدان تعریف، کانون توجه و یک ساختار مفهومی مواجه می‌باشد (Shane and Venkataraman, 2001) و فقدان تعریفی مقبول در این حوزه مانع سازمان‌دهی، کاربرد و قابلیت پیش‌بینی پژوهش‌ها شده است (الوانی و بودلایی، ۱۳۸۹). اما با این همه می‌توان بر این نکته صحه گذاشت که "کارآفرینی ریشه در نظریات اقتصاددانان قرن هفدهم میلادی فرانسه دارد" (2000, p.14). مفهوم کارآفرینی در معنای کنونی خود برای اولین بار توسط ژوزف شومپتر^۲ به کار گرفته شد که وی از آن با عنوان تخریب خلاق^۳ نام می‌برد (Fu, 2000). تیمونز^۳ (۱۹۹۰)، به نقل از احمدپورداریانی، (۱۳۸۱) کارآفرینی را خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچ می‌داند و اعتقاد دارد کارآفرینی فرایند ایجاد و دستیابی به فرصت‌ها و دنبال کردن

1. Entrepreneur human
2. Creative-Destructive
3. Jeffrey Timmons

آن‌ها بدون توجه به منابعی می‌باشد که در حال حاضر موجود است. بنابراین کارآفرینی خلق و توزیع ارزش و منافع بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جامعه را دربر می‌گیرد. گذشته از مفاهیم و تعاریف مختلف کارآفرینی، این نکته قابل انکار نیست که رشد و پرورش افراد برخوردار از شاخصه‌ها و ویژگی‌های کارآفرینانه، هیچ‌گاه در خلاء اتفاق نمی‌افتد. بلکه این مهم نیازمند یک جریان آموزشی هدفمند و قبول مسئولیت توسط نظام آموزشی و نهادهای وابسته به آن در سطوح و مقاطع تحصیلی مختلف به‌ویژه مقطع آموزش عالی می‌باشد. گیب^۱ (۲۰۰۰) اعتقاد دارد که دانشجویان باید به‌گونه‌ای پرورش یابند که قابلیت‌های کارآفرینانه در آن‌ها رشد یابد. این امر زمانی محقق می‌شود که کارآفرینی در قالب و ساختار برنامه‌های درسی^۲ دانشگاه‌ها و مراکز آموزش جایگاهی شایسته داشته باشد. باید بر این نکته تاکید کرد که برنامه‌ی درسی به‌عنوان یک حوزه‌ی تخصصی و قلب نظام آموزشی و ابزاری برای تحقق اهداف آموزش و پرورش محسوب می‌شود (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸). از این دیدگاه، اگر برنامه‌ی درسی را به معنای محتوای رسمی و غیررسمی، فرایند و آموزش‌های آشکار و پنهانی در نظر بگیریم که از طریق آن فراگیران دانش، گرایش و مهارت‌های مورد نظر را کسب می‌کنند (ملکی، ۱۳۸۸) از این رو می‌توانیم به این نکته تاکید کنیم که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از طریق محتواها و فرایندهای آموزشی خاص و از قبل طراحی شده باید بتوانند شناخت‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌های کارآفرینی لازم و مورد نظر را در فراگیران خود ایجاد و رشد دهند. اجرای این برنامه‌ی درسی از آن رو اهمیت و حساسیت دارد که در سال‌های اخیر "یکی از چالش‌های پیش روی جوامع مختلف، وجود دانش‌آموختگان بدون توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی و یک کسب‌وکار می‌باشد. این امر لزوم آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به وسیله‌ی توسعه‌ی فرهنگ کارآفرینی در آنان مسلم می‌کند" (صباغ یزدی، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

1. Gibb
2. Curricula

در واقع باید بر این نکته تاکید کرد که پدیده‌ی تجاری‌سازی ایده‌ها در محیط علمی یا همان کارآفرینی دانشگاهی مدت‌های مدیدی می‌باشد که توجه بسیاری از کشورها را به خود جلب کرده، به گونه‌ای که ممالکی هم‌چون امریکا، ژاپن و اتحادیه‌ی اروپا سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلانی را در راستای توسعه‌ی کارآفرینی دانشگاهی اتخاذ کرده‌اند (Rosenberg & Henrekson, 2000, Geuna, 2003).

هم‌چنین از دیدگاه علوی (۱۳۸۲) توجه جدی دانشگاه‌ها به مواردی هم‌چون ایجاد دوره‌ها و رشته‌های آموزش کارآفرینی برای دانشجویان، تغییر اساسی در روش‌های تدریس و محتوای آموزش‌های دانشگاهی در راستای هم سو کردن آن‌ها با ضرورت‌های کارآفرینی و توسعه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی^۱ دانشجویان از جمله مهم‌ترین اولویت‌های کاری برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران هستند. در عین حال، جهت‌گیری اصلی این اقدامات، تربیت دانش‌آموختگانی است که پاسخ‌گوی نیازهای حوزه‌ی تخصصی خود بوده و با ارائه‌ی راه‌حل‌های نوآورانه پیشگام توسعه در جامعه‌ی خود می‌شوند (نوروززاده و کوثری، ۱۳۸۸).

بررسی پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد برخی از ویژگی‌های شخصیتی مانند برون‌گرایی، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، توفیق‌طلبی، خلاقیت، انگیزه‌ی پیشرفت، استقلال‌طلبی و عزم و اراده مورد توجه بیش‌تر محققان (مک کله‌لند، ۱۹۶۱، مسکون و موتناناری، ۱۹۸۱، بورچ، ۲۰۰۷، ناندرام و بورن، ۲۰۰۹، کالیندو و همکاران، ۲۰۱۱، اوین یورا و همکاران، ۲۰۱۱، لوکا و کازن، ۲۰۱۱)، بوده و در پژوهش‌های خود به آن اشاره کرده‌اند.

با استناد به مجموعه مطالبی که در زمینه‌ی مبانی نظری کارآفرینی ارائه شده، این پژوهش درصدد است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. وضعیت کلی قابلیت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشگاه کاشان چگونه است؟
۲. آیا میان دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه کاشان از نظر قابلیت‌های کارآفرینی

تفاوت معناداری وجود دارد؟

۳. آیا میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه کاشان از نظر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۴. آیا میان دانشجویان سال اول و چهارم دانشگاه کاشان از نظر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد؟

مروری بر ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق

بررسی سوابق پژوهشی مرتبط با کارآفرینی نیز نشان‌دهنده‌ی نقش و اهمیتی است که فرایندهای آموزشی در ایجاد و پرورش توانمندی‌ها و قابلیت‌های کارآفرینی افراد ایفا می‌کنند.

گریوینیتز^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان می‌دهند که برگزاری دوره‌های آموزشی کارآفرینی برای دانشجویان تأثیرات قابل توجهی بر روی درک و شناخت آنان از استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه دارد. رشید^۲ (۲۰۰۰) در پژوهش خود به‌طور مستند نشان می‌دهد افرادی که آموزش‌های خاص کارآفرینی را دیده‌اند نمرات بسیار بالایی در شاخص‌های انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، عزت نفس و نوآوری دارند. نتایج تحقیق هوارد^۳ (۲۰۰۴) نشانگر آن است که رابطه‌ی مستقیمی بین قابلیت‌های کارآفرینی و توانایی‌های عملی افراد در زمینه‌ی کارآفرینی وجود دارد. هم‌چنین اوستریک^۴ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان می‌دهند که آموزش کارآفرینی تأثیر قابل توجهی بر ارتقای قابلیت‌های کارآفرینانه‌ی آنها دارد. پوستیگو^۵ (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان می‌دهد دانشجویان ضمن آن که آموزش دوره‌های خلاقیت، کارآفرینی اجتماعی، امور مالی و سرمایه‌گذاری را برای رشد و پرورش مهارت‌های کارآفرینی خود لازم می‌دانند، بر نقش

-
1. Greavenitz
 2. Rasheed
 3. Howard
 4. Oosterbeek
 5. Postigu

و جایگاه آموزش خلاقیت در این زمینه تاکید کرده‌اند. پژوهش لوکا و کازن^۱ (۲۰۱۱) ارتباط معنادار میان ویژگی‌های شخصیتی افراد را با رشد مهارت‌های کارآفرینی مستند می‌نماید. از سوی دیگر، تحقیق بدری و همکاران (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که در مجموع آموزش‌های دانشگاهی در زمینه‌ی رشد و پرورش ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه‌ی دانشجویان موفق نبوده است. یافته‌های پژوهش صالحی و رستمی (۱۳۸۸) هم بیان می‌کند که برنامه‌های آموزشی دانشگاه بستر مناسبی برای شکوفایی و آموزش قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان فراهم نمی‌کند. در تحقیق بارانی و همکاران (۱۳۸۹) تأثیر مثبت و معنادار آموزش کارآفرینی بر نگرش نسبت به کارآفرینی، هنجارهای ذهنی و باور به خود کارآمدی تأیید می‌شود. سعیدی‌مهرآباد و مهتدی (۱۳۸۷) نیز طی پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه‌ی رفتارهای کارآفرینانه» نشان دادند که دوره‌های آموزش کارآفرینی تأثیرات مثبتی بر بروز رفتارهای کارآفرینانه داشته است. رضایی و رهسپار (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود به بررسی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان پرداخته و نشان می‌دهند که دانشجویان دختر و پسر در شاخص‌های روحیه‌ی کارآفرینی، نیاز به موفقیت و نیاز به استقلال تفاوتی معنادار داشته اما در زمینه‌ی مرکز کنترل درونی، خلاقیت و ریسک‌پذیری این تفاوت معنادار نیست. نتیجه‌ی پژوهش جهانگیری و کلانتری ثقفی (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که کارآفرین بودن با سابقه‌ی کار، جنسیت و پست سازمانی رابطه ندارد. پژوهش زالی و همکاران (۱۳۸۶) در زمینه‌ی ارزیابی نیمرخ کارآفرینی دانشجویان نیز نشان می‌دهد که شاخص عزم و اراده بیش‌تر از سایر شاخص‌ها در نزد دانشجویان ملاحظه می‌شود و امتیاز سایر ویژگی‌ها فاصله‌ی کمی با حداقل امتیاز قابل قبول دارد. فیض و صفایی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود عدم تفاوت معنادار میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه‌ی دانشجویان دانشکده‌های مختلف را مستند می‌کنند. نتایج پژوهش مشایخ (۱۳۸۶) نیز بیان می‌کند میان دانش‌آموزانی که از آموزش‌های کارآفرینی استفاده کرده‌اند با دانش‌آموزانی که این آموزش‌ها را ندیده‌اند، تفاوت معناداری وجود دارد. افزون بر این،

1. Luca & Cozan

تحقیق مرادی و همکاران (۱۳۸۷) نیز مؤید آن است که دانش آموزان دوره‌ی متوسطه از نظر ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند.

روش‌شناسی

با توجه به ماهیت موضوع و هدف‌های تحقیق، این پژوهش از نظر روش گردآوری داده‌ها «توصیفی-پیمایشی» و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی دانشجویان دختر و پسر دوره‌ی کارشناسی از دانشکده‌های ریاضی، فیزیک، شیمی، مهندسی، علوم انسانی و معماری و هنر دانشگاه کاشان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بوده است. نمونه شامل ۴۱۲ نفر دانشجویان بوده که روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ی سنجش قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان می‌باشد. این پرسش‌نامه توسط بدری و همکاران (۱۳۸۴) برای بررسی و ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان تدوین و استفاده شده است. ضریب پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹، برآورد شده و گزارش گردید. این پرسش‌نامه شامل ۵۰ سؤال بسته است که مهارت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان را در پنج شاخص استقلال‌طلبی، کنترل درونی، خلاقیت، انگیزه‌ی پیشرفت و ریسک‌پذیری مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌دهد. در عین حال، در این پژوهش به‌منظور به‌دست آوردن اطلاعات کیفی و جامع‌تر در مورد جایگاه و چگونگی قابلیت‌های کارآفرینی و وضعیت آموزش آن‌ها در قالب برنامه‌های درسی دانشگاه دو سؤال باز پاسخ نیز گنجانده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، واریانس و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون‌های t تک متغیره و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه) انجام شده است.

یافته‌ها

سؤال ۱: وضعیت کلی قابلیت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشگاه کاشان چگونه

است؟

برای سنجش میزان قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان پنج شاخص استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، کنترل‌درونی، انگیزه‌ی پیشرفت و خلاقیت دانشجویان در نظر گرفته شد. در جدول شماره (۱) میانگین و انحراف معیار دانشجویان در شاخص‌های بررسی شده آمده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار کارآفرینی و شاخص‌های آن در نمونه‌ی کل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
استقلال‌طلبی	۴/۱۴	۱/۰۶	۴۱۲
ریسک‌پذیری	۳/۷	۱/۷۴	۴۱۲
انگیزه‌ی پیشرفت	۲۰/۸	۳/۵	۴۱۲
کنترل‌درونی	۷	۲/۴	۴۰۱
خلاقیت	۲۵/۵۷	۴/۳	۴۱۲
کارآفرینی	۷۳/۵۳	۶/۹۹	۴۱۲

همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود میانگین نمره‌ی کل کارآفرینی دانشجویان برابر ۷۳/۵۳ است.

سؤال ۲: آیا میان دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه کاشان از نظر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد؟

در جدول شماره (۲) میانگین و انحراف معیار نمرات قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های مختلف آمده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار کارآفرینی و شاخص‌های آن به تفکیک دانشکده

دانشکده	آماره	استقلال‌طلبی	ریسک‌پذیری	انگیزه‌ی پیشرفت	کنترل‌درونی	خلاقیت	کارآفرینی
ریاضی	میانگین	۴/۰۶	۳/۵	۲۰/۲	۶/۸۵	۲۵/۴۵	۷۳
	انحراف معیار	۰/۸۴	۱/۷۴	۳/۳۸	۲/۹۳	۴/۶۴	۶/۳
فیزیک	میانگین	۴/۲۵	۳/۷	۲۰/۷	۷/۶	۲۵/۸	۷۴/۵
	انحراف معیار	۱/۱۶	۱/۷	۳/۰۶	۲/۵	۳/۷	۵/۳
شیمی	میانگین	۴/۱۱	۴/۴	۲۱/۰۶	۷/۲	۲۵/۳	۷۳/۵
	انحراف معیار	۰/۹	۱/۳۱	۲/۷۵	۲/۴۲	۴/۱۴	۵
مهندسی	میانگین	۴/۱۴	۴/۰۱	۲۰/۶	۶/۷	۲۵/۸	۷۳/۴
	انحراف معیار	۱/۱۴	۱/۷	۳/۸	۲/۱۲	۴/۵	۶/۹
علوم انسانی	میانگین	۴/۰۴	۳/۵	۲۱/۳	۷/۰۴	۲۵/۷	۷۳/۹
	انحراف معیار	۱/۰۷	۱/۸	۳/۷	۲/۲۷	۴/۴	۵/۹
معماری و هنر	میانگین	۴/۴	۳/۷۳	۲۰/۵	۶/۷	۲۴/۶	۷۲/۳
	انحراف معیار	۱/۰۸	۱/۹۵	۳/۳	۲/۵	۴/۲	۵/۰۳

برای سنجش تفاوت بین قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌ها نیز شاخص‌های یادشده بررسی شد. جدول شماره (۲) نشان می‌دهد دانشکده فیزیک بالاترین و دانشکده معماری و هنر پایین‌ترین میانگین در نمره‌ی کل کارآفرینی را دارند. در جدول شماره (۳) خلاصه‌ی نتایج تحلیل واریانس مربوط به تفاوت بین قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌ها گزارش شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس متغیر کارآفرینی و شاخص‌های آن به تفکیک دانشکده

متغیر	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	Sig
استقلال طلبی	۴/۵۵	۵	۰/۹۱	۰/۸۱	۰/۵۵
ریسک پذیری	۲۱/۹۷	۵	۴/۴	۱/۴۶	۰/۲
انگیزه‌ی پیشرفت	۵۵/۰۱	۵	۱۱/۰۰۳	۰/۹	۰/۴۸
کنترل درونی	۲۹/۰۹	۵	۵/۸۱	۱/۰۳	۰/۴
خلاقیت	۵۱/۸۱	۵	۱۰/۳۶	۰/۵۵	۰/۷۴
کارآفرینی	۱۳۵/۷	۵	۲۷/۱۴	۰/۷۵	۰/۵۹

همان‌طور که در جدول شماره (۳) مشهود است، تفاوت بین قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌ها به‌رغم تفاوت میان میانگین‌ها، از لحاظ آماری معنادار نیست. سؤال ۳: آیا میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه کاشان از نظر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۴ میانگین و انحراف معیار نمرات قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دختر و پسر را نشان می‌دهد.

برای مقایسه‌ی میانگین شاخص‌های استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، انگیزه‌ی پیشرفت و خلاقیت در دو گروه دختر و پسر و تعیین تفاوت بین آن‌ها از آزمون t استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول شماره (۵) بیان می‌شود.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار کارآفرینی و شاخص‌های آن در دو گروه دختر و پسر

متغیر	آماره	استقلال طلبی	ریسک‌پذیری	انگیزه‌ی پیشرفت	کنترل درونی	خلاقیت	کارآفرینی
دختر	تعداد	۲۳۹	۲۳۹	۲۳۹	۲۳۴	۲۳۹	۲۳۹
	میانگین	۴/۱۵	۳/۴	۲۰/۷	۷/۱۲	۲۵/۱۲	۷۲/۹۵
	انحراف معیار	۱/۰۲	۱/۷	۳/۴	۲/۴	۴	۵/۷
پسر	تعداد	۱۷۳	۱۷۳	۱۷۳	۱۶۷	۱۷۳	۱۶۷
	میانگین	۴/۱۱	۴/۰۶	۲۱	۶/۸	۲۶/۱۸	۷۴/۳۴
	انحراف معیار	۱/۱۱	۱/۸	۳/۶	۲/۴۱	۴/۶۵	۶/۳۱

جدول ۵. نتایج آزمون t در متغیر کارآفرینی و شاخص‌های آن در دو گروه دختر و پسر

متغیر	t	df	sig
استقلال‌طلبی	-۰/۳۷	۴۱۰	۰/۷۱
ریسک‌پذیری	۳/۹۲	۴۱۰	۰/۰۰۰
انگیزه‌ی پیشرفت	۰/۸۸	۴۱۰	۰/۳۸
کنترل درونی	-۱/۴۸	۳۹۹	۰/۱۴
خلاقیت	۲/۴۹	۴۱۰	۰/۰۱۳
کارآفرینی	۲/۳	۳۹۹	۰/۰۲

همان‌طور که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد دو گروه دختر و پسر در نمره کل کارآفرینی با هم تفاوت معنی‌دار دارند. هم‌چنین تفاوت دانشجویان دختر و پسر در ویژگی ریسک‌پذیری و ویژگی خلاقیت معنی‌دار است. در واقع میانگین‌های این دو گروه نشان می‌دهد دانشجویان پسر از قدرت خلاقیت و ریسک‌پذیری بهتر و هم‌چنین نمره‌ی کل کارآفرینی بیش‌تری برخوردارند.

سؤال ۴: آیا میان دانشجویان سال اول و چهارم دانشگاه کاشان از نظر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد؟

در جدول شماره (۶) میانگین و انحراف معیار نمرات قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان سال اول و سال چهارم آمده است.

برای سنجش تفاوت بین قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان سال اول و سال چهارم نیز پنج شاخص بالا و هم‌چنین نمره‌ی کل کارآفرینی بررسی شد. میانگین‌ها نشان می‌دهد دانشجویان سال اول در شاخص‌های استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه‌ی پیشرفت و نمره‌ی کل کارآفرینی میانگین بالاتری نسبت به دانشجویان سال چهارم دارند، در عین حال در شاخص‌های کنترل درونی و خلاقیت میانگین کم‌تری دارند. در جدول شماره (۷) نتایج آزمون t مربوط به قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان سال اول و سال آخر درج شده است.

جدول ۶. میانگین و انحراف معیار کارآفرینی و شاخص‌های آن در دو گروه سال اول و سال چهارم

متغیر	آماره	استقلال‌طلبی	ریسک‌پذیری	انگیزه‌ی پیشرفت	کنترل درونی	خلاقیت	کارآفرینی
سال اول	تعداد	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۵
	میانگین	۴/۲	۳/۸	۲۰/۸۵	۷	۲۵/۳	۷۳/۶۲
سال چهارم	تعداد	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵	۹۵
	میانگین	۴/۰۸	۳/۵۶	۲۰/۷۳	۷/۰۶	۲۵/۷۱	۷۳/۴۱
	انحراف معیار	۱/۱۶	۱/۶	۳/۶۴	۲/۳۱	۴/۴۵	۶/۶۱

جدول ۷. نتایج آزمون t در متغیر کارآفرینی و شاخص‌های آن در دو گروه سال اول و سال چهارم

متغیر	t	df	sig
استقلال‌طلبی	۰/۶۹	۱۸۲	۰/۴۹
ریسک‌پذیری	۰/۸۷	۱۸۲	۰/۳۸
انگیزه‌ی پیشرفت	۰/۲۳	۱۸۲	۰/۸۲
کنترل‌درونی	-۰/۲	۱۷۸	۰/۸۴
خلاقیت	-۰/۶۴	۱۸۲	۰/۵۲
کارآفرینی	۰/۲۳	۱۷۸	۰/۸۲

نتایج جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که تفاوت میان قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان سال اول و سال چهارم معنادار نیست.

بحث و نتیجه

اگر بپذیریم که "برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در توفیق یا شکست این مؤسسات، نقش کلیدی و بسیار تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند ... و آینه‌ی تمام‌نمای میزان پیشرفت و انعکاسی از پاسخ‌گو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر جامعه هستند" (فتحی و اجارگاه و شفیع‌ی، ۱۳۸۶، ص ۳) در این صورت، انجام مطالعات و پژوهش‌هایی که بتوان به کمک آنها میزان اثربخشی^۱ و کارایی^۲ برنامه‌های درسی و آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را در انجام مسئولیت‌ها و کارکردهای رسمی و از قبل تعیین شده خود ارزیابی کرد، اهمیت زیادی دارد. کارآفرینی و آموزش مهارت‌ها و قابلیت‌های مرتبط به آن از جمله حوزه‌هایی است که امروزه با توجه به سرعت‌شتابان پیشرفت‌های علمی، تحولات اجتماعی و نیازهای نوپدید ناشی از آن می‌توان به‌عنوان یکی از وظایف و مأموریت‌های اصلی دانشگاه‌ها تلقی نمود که به‌سهم خود نقش مهمی در منطبق کردن این مراکز آموزشی با واقعیت‌ها و ضرورت‌های جهان امروز ایفا می‌کند.

در این راستا تحلیل و ارزیابی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان (به‌عنوان مشتریان اصلی نظام آموزش عالی و کسانی که یادگیری آنها بهترین معرف برنامه‌ی درسی تجربه

1. Effectiveness
2. Efficiency

شده^۱ است) و بررسی میزان توفیق و موفقیت برنامه‌های درسی رسمی و از قبل تعیین شده^۲ دانشگاهی در زمینه‌ی ایجاد و پرورش قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان می‌تواند تصویری روشن و مستند از واقعیت‌ها و معضلات آموزش عالی ایران در این عرصه به‌دست دهد تا از طریق آن ضمن شناسایی کمبودها و نقاط ضعف، سیاست‌ها و اقدامات لازم را برای اصلاح و ارتقای وضعیت موجود تدوین و به مرحله‌ی اجرا گذاشت. باید گفت در این پژوهش، به‌ویژه بر نقش و جایگاه برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از منظر میزان موفقیت و کارآمدی آنها در آموزش و رشد مهارت‌های کارآفرینی تاکید شده است. نتایج و یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد در حالی که میانگین نمره‌ی کل قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان ۷۳/۵۳ می‌باشد، تفاوت معناداری میان دانشجویان دانشکده‌های مختلف از نظر قابلیت‌های کارآفرینی وجود ندارد. نتیجه‌ی بیان‌شده با یافته‌های پژوهشی فیض و صفایی (۱۳۸۸) و شریف‌زاده (۱۳۸۲) هم‌خوانی دارد. در واقع می‌توان بر این نکته تأکید کرد که دانشجویان رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف صرف‌نظر از گرایش‌ها و حوزه‌های تخصصی که در آن مشغول به تحصیل هستند، نیازمند برخورداری از تجارب و فرصت‌های یادگیری^۳ و دوره‌های آموزشی هستند که با تاکید ویژه بر روی ابعاد مختلف کارآفرینی، بتواند مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و قابلیت‌های مربوط به کسب‌وکار و تولید شغل را در آن‌ها به‌وجود آورد. "اغلب دانشکده‌ها فقط آموزش را در گستره‌ی رسالت خویش بدون هیچ برنامه و تمهیداتی به‌منظور تزریق اندیشه‌ی کارآفرینی و ارزش‌آفرینی فراگیران در دستور کار خود قرار می‌دهند و شاید وظیفه خود را فقط آموزش بدانند و کم‌تر برنامه‌هایی با درون‌مایه‌ی کارآفرینی داشته باشند و در پی آن شاهد فراغت هزاران دانش‌آموخته‌ای می‌شویم که کم‌ترین نشانه نوآوری و اندیشه‌آفرینی در آنان نیست و همواره پی‌جوی کار و اشتغال در هر زمینه‌ای، ولو بی‌ارتباط با نوع تخصص و رشته‌ی تحصیلی خودشان هستند" (حسینی لرگانی و

-
1. Experienced curriculum
 2. Formal / pre-intended curriculum
 3. Learning experiences and opportunities

همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

همچنین یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که میان دانشجویان دختر و پسر از نظر نمره‌ی کل کارآفرینی و شاخص‌های خلاقیت و ریسک‌پذیری تفاوت معناداری وجود دارد. البته در سه شاخص دیگر این تفاوت معنادار نیست. این یافته‌ها با بخشی از نتایج پژوهش رضایی و رهسپار (۱۳۸۸) مطابقت دارد. در واقع احتمال می‌رود دانشجویان پسر به دلیل تمایلات و تجارب اجتماعی و محیطی گسترده‌تر و یادگیری‌های غیررسمی که از این طریق به‌دست می‌آورند، عملکرد بهتری در زمینه‌ی کارآفرینی و شاخص‌های خلاقیت و ریسک‌پذیری دارند. البته باید به این نکته اشاره کرد که اصولاً قابلیت‌های کارآفرینی به‌عنوان پدیده‌ای عام مطرح هستند که افراد می‌توانند در صورت آموزش مناسب نسبت به شکوفایی و پرورش آن اقدام کنند. "تحقیقات نشان می‌دهد که ویژگی‌های مشترک قابل تأملی بین کارآفرینان وجود دارد. این ویژگی‌ها منحصر به‌فرد نیستند" (احمدی و درویش، ۱۳۸۹، ص ۵). نتایج به‌دست آمده از پاسخ‌های داده شده به سؤال چهارم این تحقیق نیز نشان می‌دهد که میان دانشجویان سال اول (جدیدالورود) و سال چهارم دانشگاه در زمینه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این یافته ضمن آن که با نتایج پژوهش‌های بدری و همکاران (۱۳۸۴) و صالحی و رستمی (۱۳۸۸) مطابقت دارد، نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی و آموزش‌های دانشگاهی در پرورش قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان نمی‌توانند نقش مثبت و سازنده‌ای ایفا کنند. در ادبیات برنامه‌ی درسی از مفهومی با عنوان برنامه‌ی درسی تجربه شده یاد می‌شود که نوعاً میزان یادگیری‌های واقعی و عملی فراگیران و میزان موفقیت نظام‌های آموزشی را در تحقق اهداف مورد نظر خود می‌سنجد. برنامه‌ی درسی تجربه‌شده معرف برداشت‌ها و ادراک‌های فراگیران از برنامه‌ی درسی اجرایی و پیشرفت‌های به‌دست آمده توسط آنها می‌باشد. اهمیت این برنامه‌ی درسی در آن است که نشان می‌دهد در تحلیل نهایی، یادگیرندگان تصمیم‌گیرندگان اصلی یاددهی - یادگیری و برنامه‌ی درسی بوده و به آن

عینیت می‌بخشند (مهرمحمدی، ۱۳۸۷). انتظار از این دیدگاه آن است که دانشجویان به‌عنوان دریافت‌کنندگان^۱ اصلی برنامه‌ی درسی دانشگاهی، بعد از گذشت چهار سال آموزش و بهره‌مندی از محتواها و تجارب یادگیری متنوع، تفاوتی معنادار با دانشجویانی داشته باشند که امکان بهره‌مندی از تجارب یادشده را نداشته‌اند. امری که در صحنه‌ی عمل اتفاق نیفتاده است.

با توجه به نتایج و یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش و در راستای پاسخ‌گویی^۲ هرچه بیش‌تر برنامه‌ی درسی آموزش عالی به نیازها و چالش‌های مختلف باید بر این نکته‌ی مهم تأکید کرد که تلاش برای القا و آموزش توانمندی‌ها و قابلیت‌های کارآفرینی به دانشجویان به‌وسیله‌ی برنامه‌های درسی باید به‌عنوان یک اولویت جدی در دستور کار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی ایران قرار بگیرد. با توجه به این واقعیت مهم است که احمدی و درویش (۱۳۸۹) نیز گزارش کرده‌اند که تعداد دانشگاه‌هایی که نسبت به ارائه‌ی دروس کارآفرینی اقدام می‌کنند، به طرز چشم‌گیری در حال افزایش می‌باشد.

پیشنهادها

از این منظر، توجه و تأکید هر چه بیش‌تر و نظام‌یافته‌تر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور بر روی مواردی هم‌چون اجرای دوره‌های آموزش کارآفرینی برای دانشجویان رشته‌های مختلف، آشنا کردن دانشجویان به‌ویژه دانشجویان دختر با ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی کارآفرینان، دعوت و حضور کارآفرینان در دانشگاه‌ها در قالب سمینارها و میزگردهای مختلف به‌منظور آشنایی عملی و عینی دانشجویان با رمز و رازهای حرفه‌ای و شخصیتی آنها، آسان نمودن فرایندهای ارتباطی میان دانشگاه‌ها و مراکز کارآفرینی صنعتی و اقتصادی بیرون از دانشگاه، ارائه مشاوره‌های لازم کارآفرینی به دانشجویان علاقه‌مند، تلاش برای تدوین کتب درسی آموزش کارآفرینی خاص دانشجویان رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف (مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی و هنر و...)،

1. Recievers

2. Accountability

آموزش تخصصی اساتید دانشگاه‌ها به‌عنوان الگو و مجری اصلی برنامه‌های درسی و... می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در ورود و بسط قابلیت‌های کارآفرینی در مراکز آموزش عالی و نهادینه شدن فرهنگ آن داشته باشد. افزون بر این پژوهش‌گران پیشنهاد می‌کنند که در راستای به‌دست آوردن تصویری روشن‌تر و دقیق‌تر از وضعیت موجود قابلیت‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور، پژوهش‌هایی مشابه در سایر مراکز آموزش عالی ایران انجام شود. در عین حال انجام تحقیقاتی در زمینه‌ی پیمایش مهم‌ترین مسایل و چالش‌های اجرایی دانشگاه‌های کشور در حوزه‌ی آموزش و بسط قابلیت‌ها و فرهنگ کارآفرینی ضرورتی جدی دارد. هم‌چنان که اجرای مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی در زمینه‌ی مقایسه‌ی وضعیت آموزش‌های کارآفرینی میان نظام آموزش عالی ایران و کشورهای پیشرفته نیز می‌تواند در جای خود بسیار عبرت‌آموز و راه‌گشا باشد.

منابع

- احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۱). کارآفرینی، تهران: پردیس.
- احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۲). آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه‌ها را تغییر می‌دهد؟، رهیافت، شماره ۲۹.
- احمدی، سید علی اکبر؛ درویش، حسن (۱۳۸۹). مبانی کارآفرینی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- الوانی، مهدی؛ بودلایی، حسن (۱۳۸۹). «پدیدار شناسی در مطالعات کارآفرینی»، فصلنامه علوم مدیریت / ایران، سال پنجم، شماره ۱۹، ص ۶۱-۳۳.
- بارانی، شهرزاد؛ زرافشانی، کیومرث؛ دل‌انگیزان، سهراب؛ حسینی لرگانی، سیده مریم (۱۳۸۹). «تأثیر آموزش کارآفرینی بر رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه پیام نور کرمانشاه؛ رویکرد مدل سازی معادله ساختاری». فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۵۷، ۱۰۵-۸۵.
- بدری، احسان؛ لیاقت دار، محمدجواد؛ عابدی، محمدرضا؛ جعفری، ابراهیم (۱۳۸۴). «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۰.
- جهانگیری، علی؛ کلاتری ثقفی، ربابه (۱۳۸۷). «بررسی و سنجش ویژگی‌های کارآفرینی مدیران (مطالعه موردی: شرکت مخابرات)، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره اول، پاییز، ص ۸۷-۱۱۰.
- حسینی لرگانی، مریم؛ میرعرب رضی، رضا؛ رضایی، سعید (۱۳۸۷). «آموزش کارآفرینی در هزاره جدید؛ زیر ساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۰.
- دادگر، یداله؛ غلامزاده، علیرضا (۱۳۸۹). «تحلیلی بر کارآفرینی در ۷۰ سال اخیر ایران (مطالعه موردی: عملکرد یک کارآفرین نمونه)»، پژوهش‌های اقتصادی، سال دهم، شماره ۲.
- رضایی، محمدحسن؛ رهسپار، طیبه (۱۳۸۸). «بررسی چگونگی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره ۴، ۶۲-۴۵.

- زالی، محمدرضا؛ مدهوشی، مهرداد؛ کردنائیچ، اسدالله (۱۳۸۶). «ارزیابی مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه مازندران)». *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، شماره ۳، ص ۸۱.
- زمانی، غلامرضا؛ قاسمی، جابر؛ عدالتی، علی (۱۳۹۰). «تبیین ارتباط بین جوّ نظام آموزش عالی و پرورش روحیه خلاقیت و کارآفرینی در دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه پیام نور عسلویه)». *مجموعه مقالات کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون، جهاد اقتصادی*.
- سعیدی مهرآباد، محمد؛ مهتدی، محمد مهدی (۱۳۸۷). «تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه». *توسعه کارآفرینی*، سال اول، شماره دوم.
- شریف زاده، مریم (۱۳۸۲). «بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی». پایان نامه فوق لیسانس. دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- صالحی عمران، ابراهیم؛ رستمی، فرخنده (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان»، *دو فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی*، دوره ۱، شماره ۲، ۲۲-۳۴.
- صباغ یزدی، سعیدرضا (۱۳۸۵). «بررسی محتوای آموزشی و روش‌های ارائه درس کارآفرینی در دانشگاه‌ها و پیشنهاد یک برنامه مناسب برای دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی»، گزارش طرح پژوهشی.
- علوی، ابوالفضل (۱۳۸۲). کارآفرینی و رسالت دانشگاه، رهیافت، شماره ۲۹.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۸). *اصول برنامه ریزی درسی*. تهران: انتشارات ایران زمینی.
- فتحی واجارگاه، کوروش؛ شفیعی، ناهید (۱۳۸۶). «ارزیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (مورد برنامه درسی آموزش بزرگسالان)». *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، سال دوم، شماره ۵.
- فیض، داوود؛ صفایی، میلاد (۱۳۸۷). «ارزیابی و مقایسه ی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه سمنان»، موجود در www.SID.
- قانع بصیری، محمد (۱۳۷۳). «موسسات، حکومت و نقش کارآفرینانه»، *مجله مدیریت*، شماره ۲۴.
- مرادی، میترا؛ کوهستانی، حسینعلی؛ بهرام زاده، حسینعلی (۱۳۸۷). «بررسی ویژگی‌های بنیادین کارآفرینی در دانش آموزان دوره متوسطه خراسان شمالی و ارائه راه کار جهت تقویت این ویژگی‌ها»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد.
- مشایخ، پری (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر روحیه کارآفرینی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان کارزون»، *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال دوم، شماره ۴.

ملکی، حسن (۱۳۸۸). *برنامه درسی (راهنمای عمل)*. ویراست دوم، مشهد: نشر پیام اندیشه.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷). تأملی در ماهیت نظام متمرکز برنامه‌ریزی درسی. در محمود مهر محمدی. *برنامه درسی، نظرگاهها، رویکردها و چشم اندازها (ویراست دوم)*. تهران: انتشارات سمت و آستان قدس رضوی.

نوروززاده، رضا؛ کوثری، مریم (۱۳۸۸). «تبیین ویژگی‌های عناصر چهارگانه برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۵۴.

- Burch, John G. (2007). *Entrepreneur Wikipedia – the free encyclopedia*.
- Clark, B.R. (2004). "The entrepreneurship University demand and response: Theory and Practice". *Tertiary Education Management*. No. 22, Spring.
- Caliendo, Marco. Fossen, Frank. Kritikos, Alexander (2011). "Personality Characteristics and the Decision to Become and Stay Self-Employed", *SOEPPapers on Multidisciplinary Panel Data Research at DIW Berlin*. available at <http://www.diw.de/soeppapers>
- Dees, J.G (2000). *Enterprising nonprofits*. Harvard Business Review, 76. 55-67.
- Fu, T. & Yu, I. (2000). "Toward a theory of Entrepreneurial State International", *Journal of Social Economics*, Vol. 28, No. 9.
- Gibb, Allan (2000). "Entrepreneurship at University should reach all faculties", <http://next.ware.science.mg.org/cgi/content>.
- Geuna, A., Salter, A., Steinmueller, W.E. (eds.) (2003). "Science and Innovation", *Edward Elgar*. Henrekson, M., Rosenberg, N. (2000) "Incentives for Academic Entrepreneurship".
- Graevenitz, Georg von. Harhoff, Dietmar. Weber, Richard (2010). "The effect of entrepreneurship education", *Journal of Economic Behavior & Organization*, No. 76, PP. 90-112.
- Howard, S. (2004). "Developing Entrepreneurial Potential In Youth: The effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation", *University of South Florida Report*, PP. 3-17.
- Low, Sarah (2009). *Defining and measuring entrepreneurship for regional research: A new approach* Ph.D. University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Luca, Marcela Rodica, Cozan, Ana-Maria (2011). "Involvement in Entrepreneurial", *Training and Personality*, No. 30, PP. 1251-1256.
- McClelland, D. (1961) *The achieving society*. Princeton, NJ: Van Nostrand.
- Mescon, T., Montanari, J. (1981). "The personalities of independent and franchise entrepreneurs: an empirical analysis of concepts". *Journal of Enterprise Management*, No. 3(2), PP. 149-159.
- Nandram, Sharda S. Born, Marise Ph. (2009). "Behavioral attributes a comparison between nascent entrepreneurs", *established entrepreneurs and managers*. NRI working paper, No. 09-03.
- Oben Uru, F, Caliskan Sezer C, Atan Ozlem, Aksu Mustafa (2011). "How Much Entrepreneurial Characteristics Matter in Strategic Decision Making?", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, No. 24, PP. 538-562. Available online at www.w.

Sciendirect.com.

Oosterbeek, Hessel, Van Praag, Mirjam, Ljsselstein, Auke (2010). "The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation" *.European Economic Review*, No. 54, PP. 442-454.

Parker, C.S. (2005). *The Economics of entrepreneurship*. Now Publishery Inc.

Postigu, S. (2002). "Entrepreneurship Education in Argentina: the case of San Anders University", In Proceedings of the Conference Entitled, *the Internationalizing in entrepreneurship education and training*, Malasya, July, PP. 8-10.

Rasheed, H.S. (2000). "Developing entrepreneurial potential in youth: The effect of entrepreneurial education and venture creation". Available at: [http:// www. Coba. Usf. Edu/ departments/management/ Faculty/youth entrepreneurship](http://www.Coba.Usf.Edu/departments/management/Faculty/youth_entrepreneurship). [2009/5/27]

shane, S., Venkataraman, S. (2001). "Entrepreneurship as a field of Research: A response to Zahra & Dess, singh, and Erikson", *Academ of management Review*, No. 26, PP. 13-16.